



۲۰۱۶/۰۶/۲۸

جلیل غنی هروی

تشنج بین افغانستان و پاکستان

در پنجم سرطان ۱۳۹۵ مطابق بیست و پنجم جون ۲۰۱۶ خبر ملاقات حنیف اتمر مشاور امنیت ملی اشرف غنی رئیس جمهور افغانستان و صلاح الدین ربانی وزیر خارجه افغانستان با سرتاج عزیز مشاور امور بین المللی حکومت پاکستان که برای اشتراک در کنفرانس شانگهای به ازبکستان رفته بودند، اعلام گردید. درین گزارش آمده است: وزیر خارجه و مشاور شورای امنیت ملی افغانستان در دیدار با سرتاج عزیز مشاور ارشد صدراعظم پاکستان، در مورد ایجاد یک میکانیزم مورد قبول دو طرف برای حل اختلافها توافق کردند. تاحال در مورد جزییات این میکانیزم چیزی منتشر نشده، اما در اعلامیه ای که دو طرف صادر کرده اند، آمده است که صلاح الدین ربانی وزیر خارجه افغانستان و سرتاج عزیز، مشاور ارشد صدراعظم پاکستان، میکانیزم حل اختلافها را به صورت مشترک مدیریت می کنند. اعلامیه می گوید تیم های تخنیکی دوطرف با هم دیگر دیدار می کنند، تا اختلافها را حل کنند و زمینه را به گونه ای فراهم سازند که حوادث شبیه رویداد تورخم دیگر تکرار نشود.

اما ریشه این اختلافات از کجا آب می خورد؟ این اختلافات چندین بُعد یا جهت و دلیل داشته می تواند از مناسبات حسنه افغانستان با هند، رقیب سر سخت و دیرینه پاکستان از زمان تشکل آن توسط انگلیس و جدا شدن از بدنه هند در ۱۹۴۷، تا منافی نا مشروعی که پاکستان در افغانستان در جست و جوی آنست، جلو گیری از انکشاف مناسبات بیشتر با هند و سایر کشور های منطقه، دست بالا داشتن در امور سیاسی و اقتصادی و فرهنگی افغانستان، در اختیار داشتن راه منحصر به پاکستان در ترانزیت مال التجاره پاکستان به افغانستان و انطرف تر به آسیای میانه و رقابت اقتصادی با هند و ایران در افغانستان از دلایل اختلافات پاکستان با افغانستان شمرده می شود.

یکی دیگر از اختلافات عمده بین افغانستان و پاکستان خط فرضی دیورند است که از زمان تشکیل پاکستان تا کنون یک موضوع مورد منازعه بین دو کشور بوده است. میراثی است که انگلیس نه تنها برای افغانستان و پاکستان گذاشته اند بلکه معضله کشمیر را نیز بین هند و پاکستان به حیث مایه اختلاف و تنازع بین آن دو کشور نیز برای هر دو به میراث گذاشته است. پاکستان طی همین مدت شصت و نه سال گذشته از هر وسیله و امکانی برای قبولاندن این خط به حیث سرحد شمالغرب خود با افغانستان کار گرفته که همه کاربرهای آن فتنه انگیزانه، تحریک آمیز و تنظیم

جنگهای فرقی و نژادی و مذهبی، تشکیل گروه های دهشت افکن و ویرانگر، تشکیل گروه طالبان و حاکم ساختن آنها برای مدتی در قسمتهای بیشتر افغانستان و حال هم دوام جنگ و خونریزی توسط مزدوران داخلی و خارجی اش در افغانستان بوده است. همه و همه محض برای آنست تا بر افغانستان تا آن جایی فشار آورد که افغانستان این خط را به نحوی به حیث سرحد آن کشور با افغانستان قبول نماید. اما این همه تخریب کاری ها و قتل و قتل ها تا کنون نتیجه ای به بار نیاورده است.

حل این معضله در روابط دو کشور مستلزم غور و تحقیق مزید و بررسی همه جوانب آن از طرف سیاستمداران و مؤرخین است تا بر زوایای مختلف این قضیه روشنی انداخته شود و هر دو کشور بتوانند بر مبنای اصل همزیستی مسالمت آمیز به حیث دو همسایه نیک روابط حسنه را برقرار نمایند که خوشبینی اندکی با در نظر داشت نیات و اعمال گذشته پاکستان در برابر افغانستان می توان داشت.

درین روز ها در وب سایت ها به وفرت بر موضوعاتی بحث و مقاله نویسی پر طمطراق و مملو از احساسات و بعضاً اهانت بار جریان دارد که کمترین اثر را بر زندگی امروز مردم بلا کشیده افغانستان ندارد و بر قضایای از این قبیل که رابطه مستقیم بر سرنوشت ملت افغانستان و تاریخ آن درین منطقه دارد متأسفانه اندکترین توجهی نشده تا به چنین سوالاتی جواب داده شود. امید است نویسندگان و مؤرخین محترم افغان بجای مقالات طولانی و بعضاً تشدد آمیز در برابر نویسنده دیگری روی یک اشتباه جزئی و آوردن نامی بجای نام دیگری و یا ذکر اشتباهی نام یک شخصیت نیک نام به جای نام شخص دیگری، که چندان نام نیکی در تاریخ ندارد، چندین مقاله رد و بدل می کنند، قلم و قدم رنجه فرمایند و بر موضوعات تاریخی که بر زندگی و آینده مردم افغانستان تأثیر مستقیم دارد تمرکز نمایند. اشتباهات متذکره می توانست فقط با یک یادداشت کوتاه به توجه نویسنده اصلی رسانیده شود تا متوجه اشتباه خود گردد. متأسفانه طوری که دیده می شود این نویسندگان و تاریخ نویسان و به قول نویسنده توانا جناب غلام حضرت (تاریخ انکاران) بیشتر بر موضوعاتی تمرکز می کنند که باحوادث و جریانات سیاسی و اجتماعی و امنیتی افغانستان امروز، مثل تنشج بین افغانستان و پاکستان و ریشه یابی های این تنشجات که پالیسی های موجود پاکستان را رقم میزند، تأثیر چندانی ندارد. موضوعات تاریخی و گذشته افغانستان البته اهمیت خود را دارد و جای تحقیق و تتبع و نقد، برای روشن شدن بیشتر مسایل عمده تاریخی با ارائه اسناد و بحث علمی بر محتوای آثار و نوشته های دیگران، یک ضرورت است ولی تاخت و تاز بر شخصیت دیگران و یا بکار برد الفاظ و کلماتی که تعرض بر حریم شخصی کسی باشد بدور از هدفی است که نقد و یا توضیحی بریک مساله نگاشته می شود. مباحث علمی و منطقی بر موضوعات مورد اختلاف نظر ایجاب تعرض را نمی کند بلکه چنین تعرض ها بحث را از اصل موضوع مورد بحث، که همانا روشنگری در مورد موضوع خاص است، به بیراهه می کشاند و از اهمیت تحقیقی و علمی مقاله می کاهد و جنبه شخصی اختیار میکند. اختلاف نظر و عقیده و دیگر اندیشی سالم یکی از خصایل نیک و فطری هر انسان است و هیچگاهی به مفهوم خصومت نیست بناءً هدف آن تنویر، روشنگری، توضیح، تصحیح، تفصیل و ارزیابی سالم است که باید عاری از هر گونه زهد گرایی، تجاوز و بی حرمتی به دیگران باشد.

خبر مذاکرات تشکیل هیات تخنیکی تحت نظارت وزیران خارجه دو کشور و بعداً مذاکرات سیاسی درین خصوص شاید مدت زمانی را تا نتیجه نهائی، آن هم در صورتی که هر دو جانب بتوانند این مذاکرات را بدون انقطاع ادامه بدهند، در بر گیرد، ولی میتواند بارقه امید برای حل این معضل که نه تنها جلوگیری از اعمار پاسگاه ها در امتداد خط دیورند باشد، اگر پاکستان موافقه کند، بلکه عمیقتر و فراختر از این بوده و بتواند راه حلی به این معضله جست و جو نماید که منافع افغانستان را هم بر آورده ساخته بتواند.

هیچ کشور و یا خانواده در انتخاب همسایه خود نقشی ندارد و ناگزیر با همسایگان زیست کند و چنان زیست نماید که هر یک از این همسایگان حقوق مشروع یک دیگر را احترام گذارند و تجاوزی از هیچ نوع بر حقوق و ثغور یکدیگر نه نمایند. افغانستان مجبور است با همین همسایگان چه خوب و چه بد زیست نماید مخصوصاً که یک کشور محاط به خشکه بوده و باید از طریق همین کشور ها از راهی به جهان دور تر از محوطه خاک خود تماس داشته باشد. اما نباید افغانستان که حقوق آن در چارچوب حقوق کشور های محاط به خشکه تثبیت گردیده، از منافع مشروع خود منصرف شود یا محدودیت های نا جایز را که سعی می شود با آوردن فشار های اقتصادی، سیاسی، اجتماعی، تخریبی و تعزیر و تخویف و تعجیز تحمیل شود به پذیرد بلکه با در نظر داشت منافع ملی خویش با پشتیبانی همه مردم افغانستان با فشاری نماید و همانطوری که تاریخ این ملت گواه است استقلال فکری و عمل خود را حفظ نماید.

